

اندیشه زنان مجله‌ای است که توسط **مریم اردویی** در سال ۱۳۸۲ در تهران منتشر می‌شود.

حضور فعال زنانه

در عرصه‌های مختلف جهاد

در این شماره به حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف جهاد پرداخته می‌شود.

بخش اول: جهاد ذوابعاد زنانه

تاریخ در ماجرای قیام اباعبدالله(ع) بسیار به زنان بدهکار و نسبت به روایت زندگی‌شان بسیار فراموشکار است؛ مخدراتاتی که هم در کف میدان حضور داشتند و هم در بطن میدان، زنانی که زندگی‌شان در سه ساخت فردی، خانوادگی و اجتماعی حول ولی زمان‌شان چنان نظم یافته بود که «حسن التبعیل» و «الجهنه تحت اقدام الامهات» را هم حول همین محور فهم کرده بودند و در مقابل نظام کفر و نفاق ظهور و بروز اجتماعی داشتند.ام کلثوم (رقیبه) همسر مسلم و خواهر ناتنی امام حسین(ع) یکی از همین زنان است. کسسی که با ۲ فرزندش همراه با کاروان امام از مدینه به مکه آمد و تا پایان در مصایب کربلا شریک و همراه حضرت زینب(س) بود.او چنان ساحت فردی زندگی اش را محکم و متصل به ولی زمانش ساخته بود که فتنه‌های سال ۶۱ هجری ذره‌ای در باورهایش خلل وارد نکرد؛ فتنه‌هایی که سلیمان صردها و عبدالله بن عباس‌ها را زمینگیر کرد.

رقیبه همسرانه‌هایش را هم بر قاعده «النبی اُولیِّ بالمؤمنین من انفسهم» استوار ساخت و خانه‌اش را مامن مردی قرار داد که یک فعال سیاسی در ستمت کوفه بود.ام کلثوم در کموت پرچم اباعبدالله به ستمت کوفه کرد.ام کلثوم در کسوت مادری، قدم‌هایش را چنان استوار برداشت و فرزندانش را برای زمانه پرالتهاب چنان تربیت کرد که وقتی در شب عاشورا، امام حسین(ع) رو به فرزندان عقیل فرمود: «همان جانبازی مسلم برای شما پس است، بروید من به شما اجازه دادم.» پاسخ شنید: «سبحان‌الله.. به خدا، این کار را نکنیم ولی جان و مال و خاندان را قربانت کنیم و به همراه تو نبرد کنیم تا به سرنوشت تو برسیم، رشت باد زندگی بعد از تو.» حضور رقیه تنها در بطن میدان سخت نبرد و در نقش مادر و همسری مجاهدپرور نبود، بلکه در کف میدان جنگ نرم هم عقیقانه حاضر بود..او به ضرورت دفاع از حریم ولایت در درگیری با کفر بنی‌امیه به خوبی واقف بود و می‌دانست این مهم بدون بروز و ظهور اجتماعی امکان تحقق ندارد. بانویی فصیح و بلیغ که در کوفه و شام در عرصه «جهاد تبیین» خطبه‌ها خواند و شعرها سرود و پرده از چهره نفاق برداشت: «ای ابن زیاد اگر چشمت به قتل حسین روشن شد، بدان که چشم رسول خدا با دیدن او روشن می‌شند.»ام کلثوم در بازگشت به مدینه، با قیام عاطفی، به تحریک عواطف جامعه در قالب سوگواری پرداخت: «ای مدینه ما را ببپذیر! به جد ما خیزیده که ما امیر شدیم و شهر به شهر گشتم.» نهضت عاشورا با چنین مجاهدت‌های زنانه‌ای تداوم یافت و پابر جا ماند.



بخش دوم: ماریه زنانه پای انقلاب حسین ایستاد

«کتیبه» و پرچم و سیاهی و کیشه‌های برنج و دیگ و اجاق گاز برای مراسم محرم و فاطمیه، یک طرف تمیز و مرتب چیده شده بودند. سمت دیگه، بسته‌های ارزاق و لباس برای خانواده‌هایی که یک‌ماه را تا‌عامه بده، چشم به راه کمک سر می‌کردند. یک طرف هم ویلچر و تخت و تشک بیمارستانی و ده‌ها وسیله ضروری و رفاهی برای خانواده‌هایی که بیمار داشتند و امکانات مالی نه..این توصیف خانه اشرف‌سادات، مادر شهید معماریان در مقدمه کتاب «تنها گریه کن» است. این توصیفات را کنار روایت «لمراه سیده بیتها» بگذارید. هویت یک خانه با هویت زن گره خورده است. او تعیین می‌کند، خانه پایگاه تجملات فردی باشد یا کانون توجهات اجتماعی.

در تاریخ زنی هست به نام «ماریه العبدیه»، حدس می‌زنم نامش را نشنیده باشید. ماریه با سعديه، بانویی از عبدالقیس ساکن بصره بود. او در کربلا حضور نداشت اما همیشه حضور نداشتن به‌معنای نبودن نیست. ماریه خیلی قبل‌تر همسر و فرزندش را در جنگ جمل در حمایت از امیرالمومنین(ع) از دست داده بود. این نسبت می‌توانست برای او تصویری باشد تا با خود بگوید من سهم‌ام را در دفاع از ولایت پرداخته‌ام و باقی عمر را کنج عاقبت گزیند، اما او به جای «توجه المسائل» اهل «توضیح المسائل» بود. در زمانه اختناق کسه کوچک‌ترین تحرک در حمایت از اهل‌بیست از نظر دور نمی‌ماند و نفس کشیدن هم احتیاط می‌خواست، خانه ماریه پایگاه تجمع شیعه و مرکز شکل‌گیری حرک‌های شیعیان و هسته اصلی مذاکرات آنجا در شهر بصره محسوب می‌شد. یاران امام حسین(ع) در خفته او جمع می‌شدند، حدیث می‌گفتند و می‌شنیدند و سیاست را تحلیل می‌کردند. مباحث علمی و عقیدتی را مطرح و به بحث می‌گذاشتند.

خانه‌ای کوچک مرز کز نشسر معارفی عظیم و محل تربیت مردانی بزرگ شده بود. هنگامی که پیام امام حسین(ع) به بزرگان بصره ابلاغ شد، بیت ماریه نخستین پایگاه مخایره دقیق پیام بود. «یزید بن نسیط بصری» به همراه دو پسرش «عبدالله» و «عبدالله» در همین خانه پیام امام را دریافت و تصمیم گرفت به کاروان حسین(ع) در مکه بپیوندد. «ادهم بن امیه» از اصحاب و راویان حدیث رسول‌الله(ص) و کسی که در آغازین حملات سپاهیان یزید در پشتیبانی از ولایت هدف اصابت تیغ خصم قرار گرفت و به شهادت رسید، در اجتماع شیعیان در خانه ماریه حضور داشت و از آنجا به کاروان عاشورا پیوسته بود. ماریه، این‌گونه زنانه پای انقلاب حسین(ع) ایستاد.



شناخت حقیقی؛ احساسات صادقانه

پرداختن به جزئیات حادثه عاشورا به‌منظور جبران کسری معرفت

احتمالا شما نیز گاهی با شنیدن برخی روضه‌ها و دیدن برخی رفتارها به مسئله تحریف عاشورا و گنجاندن جزئیاتی غیرواقعی در حادثه کربلا فکر کرده و حتی عصبانی هم شده‌اید. قاعدتا شما اولینش نبوده و آخرینش نیستید؛ چون این زلف فریبنده تحریف پرپیچ‌وخم استست و هرگز «این راه مار بیج به پایان نمی‌رسد.» انگیزه‌های تحریف هم همیشه گوناگون است و مشتملٌ‌کننده‌ترین آن تحریف با نیت ظاهر اقدس است؛ مثلی گرفتن‌اشک‌بیشتر و به تعبیر شهیدمطهری «از جا‌کنده‌شدن مجلس» در مقابل این تحریفات همواره افراد متعددی به مبارزه پرداخته‌اند که این مبارزه تقریباً از دوران مشروطه شدت گرفته و تا امروز باقی است. در همین راستا کتب متعددی نیز تدوین شد.از جمله: لؤلؤ و مرجان، کبریت احمر، التئز به لاعمال‌الشیبه، حماسه حسینی. این تألیفات عموماً به نقد و بررسی برخی مطالب مشهور پرداخته‌اند که در منابع دست‌اول اثری از آنها نمی‌بینیم؛ مانند عروسی قاسم و تیر سه‌شعبه و مکالمه‌نهایی حضرت عباس با امام حسین و…

است.کتاب‌هایی نظیراللهوف سیدبن طاووس و مشیرالاحزان این نمای حلی جزو نخستین آثارى هستند که تا همین دوران معاصر نکت متعددی را به ما گوشزد می‌کند. به‌عنوان نمونه خوب است بدانیدمنابع اولیه، «ماجرای شهادت امامحسین(ع)» را از دریچه تاریخ نگریسته و با آن به مثابه یک حادثه تاریخی معامله کرده‌است.لکن هرچه جلوتر آمده‌ایم رنگ و لعاب‌قصرپردازی احساسی و عاطفی و هیجانی و بهره‌گیری از نقل‌های غیرمعتبر در روایت این حادثه بیشتر شده‌است.

برای درک بهتر این مطلب خوب است صرفاً عناوین

کتبی که در این‌باره نوشته شده را مروری کوتاه کنیم. نخستین منابع عموماً با نام «مقتل‌الحسین» شناخته می‌شوند که توسط افرادی نظیر ابومخنف، ابن‌سعد، بلاذری، دینوری، ابن‌اعثم کوفی به رشته تحریر درآمده‌اند. در ادامه نیز دگرگانی هم نظیر طبری، ابوالفرج اصبهانی، خوارزمی و طبرانی مطالبی نگاشته‌اند که عمدتاً پرگرفته از همان منابع دست‌اول بوده‌است.عنوان «مقتل‌الحسین» که عنوان مشترکی در تاریخ‌نگاری‌های پیرامون عاشورا است، به‌معنای شرح تاریخی ماجرای شهادت امامحسین علیه‌السلام است.

سپس در ادوار بعدی گویی انگیزه‌های اعتقادی همراه با محبت و عطفوت پر انگیزه‌های تاریخ‌نگاری تفوق یافت که البته شیعه‌بودن و انگیزه‌های اعتقادی نویسندگان و مورخان در این‌باره بی‌تأثیر نبوده

است.تجمعات اجتماعی در تاریخ زنی هست به نام «ماریه العبدیه»، حدس می‌زنم نامش را نشنیده باشید. ماریه با سعديه، بانویی از عبدالقیس ساکن بصره بود. او در کربلا حضور نداشت اما همیشه حضور نداشتن به‌معنای نبودن نیست. ماریه خیلی قبل‌تر همسر و فرزندش را در جنگ جمل در حمایت از امیرالمومنین(ع) از دست داده بود. این نسبت می‌توانست برای او تصویری باشد تا با خود بگوید من سهم‌ام را در دفاع از ولایت پرداخته‌ام و باقی عمر را کنج عاقبت گزیند، اما او به جای «توجه المسائل» اهل «توضیح المسائل» بود. در زمانه اختناق کسه کوچک‌ترین تحرک در حمایت از اهل‌بیست از نظر دور نمی‌ماند و نفس کشیدن هم احتیاط می‌خواست، خانه ماریه پایگاه تجمع شیعه و مرکز شکل‌گیری حرک‌های شیعیان و هسته اصلی مذاکرات آنجا در شهر بصره محسوب می‌شد. یاران امام حسین(ع) در خفته او جمع می‌شدند، حدیث می‌گفتند و می‌شنیدند و سیاست را تحلیل می‌کردند. مباحث علمی و عقیدتی را مطرح و به بحث می‌گذاشتند.

خانه‌ای کوچک مرز کز نشسر معارفی عظیم و محل تربیت مردانی بزرگ شده بود. هنگامی که پیام امام حسین(ع) به بزرگان بصره ابلاغ شد، بیت ماریه نخستین پایگاه مخایره دقیق پیام بود. «یزید بن نسیط بصری» به همراه دو پسرش «عبدالله» و «عبدالله» در همین خانه پیام امام را دریافت و تصمیم گرفت به کاروان حسین(ع) در مکه بپیوندد. «ادهم بن امیه» از اصحاب و راویان حدیث رسول‌الله(ص) و کسی که در آغازین حملات سپاهیان یزید در پشتیبانی از ولایت هدف اصابت تیغ خصم قرار گرفت و به شهادت رسید، در اجتماع شیعیان در خانه ماریه حضور داشت و از آنجا به کاروان عاشورا پیوسته بود. ماریه، این‌گونه زنانه پای انقلاب حسین(ع) ایستاد.

اندیشه



شناخت حقیقی؛ احساسات صادقانه

پرداختن به جزئیات حادثه عاشورا به‌منظور جبران کسری معرفت

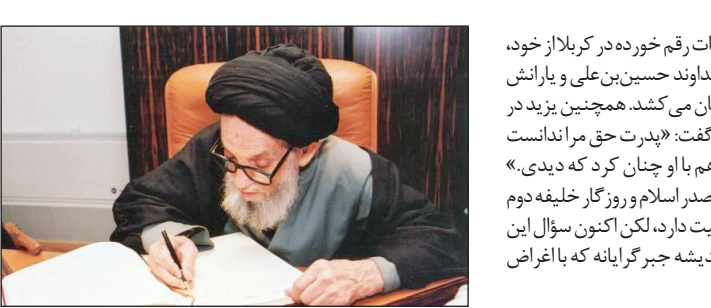
ترویج همین موضوع در ذیل تاریخ عاشورا است: ابتلاء اولیاء،ازاله الاوهام فی البکاء،اکسیر العباده بحرف عاشورا و گنجاندن جزئیاتی غیرموصومین، بحر الحزن، بحر الدموع، بحر بغت، بستان ماتم، بکاء العین، بلا و ابتلاء، در رویداد کربلا، بیت الاحزان، خلاصه‌المصایب، داستان غم، دمع العین علی خصائص‌الحسین(علیه‌السلام)، الدمعه‌الساکبه فی العصبیه‌الارثیه، ریاض‌البکاء، روضه حسینیه، روضه الخواص، روضه‌الشهداء یزدی، ریاض‌الاحزان، ریاض‌الشهداء فی ذکر مصایب‌الساده، سرالاسرار فی مصیبه‌ایی‌الائمه‌الاطهار، طریق‌البکاء، توفان‌البکاء، عمان‌البکاء، عین‌البکاء، عین‌الدموع، فیض‌الدموع، قبسات‌الاحزان، کنز‌الباکین، کنز‌المجن، کنز‌المصایب، غم و غم فی شهر‌المحرم، نوحه‌الاحزان و صیحه‌الاشجان ودها‌عنوان دیگر. هرچند قصد تعمیم اتهام به تمام این کتب را هرگز نداریم اما این تنوع در ذیل پرداخت به یک موضوع نشان از آن دارد که برخی از این کتاب‌ها در صدر بودن گوی پر دوازش جزئیات از منظر مغفول‌تر و گیراتر بوده‌اند، آن‌هم پر دازش‌کی که نه‌تنها در منابع دست‌اول اثری از آنها نیست بلکه گاه با ساحت قدسی اولیای الهی منافات دارد.

راه‌ناخوشایند جبران کسری معرفت

اکنون با این مقدمه طولانی که مسیر تغییر نگاه به مقتل نویسی و تاریخ عاشورا را نشان می‌دهد به این سؤال بپردازیم: «چرا عده‌ای برای گرفتن‌اشک از مجلس، در صدد طرح جزئیات و کیفیاتی اینگونه بوده‌اند؟ آن‌هم به‌نحوی چنان افراطی که گاه در روضه و تعزیه عده‌ای دست‌به اعمال شاقه برای بازنمایی حوادث کربلا می‌زنند و تکرک دست بدخواهان می‌دهند؟» به‌نظر پاسخ‌خ را باید در مقوله‌ای به نام «معرفت» جست‌وجو کرد. اگر احساسات انسانی را مترتب بر شناخت بدانیم و معتقد شویم هر چه شناخت حقیقی‌تر باشد، احساسات صادقانه‌تری بروز می‌کند، خواهیم دانستد که معرفت نسبت به‌وجود امام، عنصر اصلی گریه بر اباعبدالله است. اگر ما نسبت به

اندیشه جبر گرایی امویان و پاسخ مکتب اهل بیت ع

تاملی در بیانات مرح حوم علامه سیدمر تضی عسکری



آنجا که ابن‌زیاد با سلب‌مسئولیت جنایات رقم خورده در کربلاز خود، بر فراز منبر مسجد کوفه می‌گوید: «خداوند حسین‌بن‌علی و یارانش را کشت.» و به صراحت خداوند را به میان می‌کشد. همچنین یزید در مجلس خود خطاب به حضرت سجاد گفت: «بدرت حق مرا ندانست و در حکومت با من منازعه کرد. خدا هم با او چنان کرد که دیدی.» هر چند پیشینه این اندیشه و اعتقاد به صدر اسلام و روزگار خلیفه دوم می‌رسد و در جای خود بررسی آن اهمیت دارد، لکن اکنون سؤال این است: «پاسخ مکتب اهل بیت به این اندیشه جبر گرانه که با اغراض سیاسی همراه بوده، چیست؟»

علامه عسکری بخش مهمی از پاسخ‌های اهل‌بیت را احصا و در کتاب خود ارائه کرده است که تفصیل آن فرصتی بیشتر می‌طلبد. لکن مختصراً بگویم که ایشان در کتاب خود به نقل روایات متعدد از جمله گفتاری مهم از امام‌صادق(ع) می‌پردازد که بدین شرح است: «مردم در عقیده به قدر بر ۳ دسته‌اند: الف) کسی که می‌پندارد خدا مردم را بر معصیت کردن اجبار فرموده است. چنین کسی به خداظلم کرده و کافر شده است. ب) کسی که می‌پندارد همه کارها به بندگان واگذار شده است. چنین کسی خدا را در فرمانروایی‌اش توهین کرده و کافر شده است. ج) کسی که می‌گوید خدای عزوجل بندگان را بر کارهایی تکلیف کرده است که توان انجام آنها را دارند و بر کارهایی که توانایی انجام آنها را ندارند، تکلیف نفرموده است. چنین کسی اگر کارها را به نیکی انجام دهد، خداوند را حمد می‌کند و اگر بدی کند از خداوند آمرزش می‌طلبد. چنین مردی مسلمان است.» این روایتی که ذکر شد در واقع تفصیل همان روایت مشهور از پیامبر اکرم(ص) است که

اندیشه معیار

مجلس وعظ و روضه تراز

«خداوند مهم‌ترین علم نافع را تنقّه در دین معرفی کرد و چنین فرمود: «فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتقیها فی الدین ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیهوم» رسول اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) در تشریح تنقّه در دین که بارزترین مصداق علم نافع است، فرمودند: «انّما العلم ثلاثه: ایه محکمه أو فریضه عادلّه أو سنّه قائمه و ما خلاهنّ هو فضل» «دانش راستین که برای رهبری ارواح انسان‌ها سومند باشد و فروغ هدایت را فراهم دل‌های انسان‌ها باز کند، ۳ چیز است: ۱. معرفت حق ۲. شناخت احکام ۳. شناخت سنت‌های الهی در زندگی انسان». انسان با رعایت اینها می‌تواند از تباط خود و خدا، رابطه خود و طبیعت و بیوند خود و انسان‌ها با جماع بشری را بشناسد و بر پایه این شناخت، قدم‌های صحیح بردارد. در جهت تبیین مطالب پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) امام حسین (علیه‌السلام) فرمودند: «من اُتانا لم بعدم‌خصله من اربح: ایه محکمه و قضیه عادلّه و اُحْستفاداً و مجالسه‌العلماء»؛ یعنی اگر ننی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دانش را ۳ قسم دانست، هر کسی به مکتب و محفل ما آید، یکی از این فواید چهارگانه نصیب او می‌شود: ۱. ایه محکم را فرامی‌گیرد. ۲. قوانین اجتماعی و اخلاقی و دستورهای الهی را یاد می‌گیرد. ۳. آیین برادری و همهانگی را می‌آموزد. ۴. از همنشینی عالمان سود می‌برد. بنابراین، علوم سه‌گانه یادشده در سخن رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به انضمام مصادیق کامل آنها در محافل اهل‌بیت(علیهم‌السلام) به‌دست می‌آید.» (برگرفته از کتاب شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی تألیف ابی‌تاله جوادلی املی) شاید اگر در بی یافتن معیاری برای قرار دادن تراز و سنجیدن مجالس وعظ و روضه اباعبدالله باشیم، تجمع سخنان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و روایت منسوب به امام حسین علیه‌السلام، این معیار را به‌دست ما می‌دهد. در نتیجه با ارزیابی صحیح، خواهیم دانست که مهم‌ترین اوقات عمر خود را پای کدام منبر بگذرانیم.

کتاب اندیشه

معرفی کتاب مقتل امام حسین (ع)

تألیف سیدمر تضی عسکری در میان انبوه کتبی که هر کدام سعی کرده‌اند به‌نحوی به بازنمایی ماجرای عاشورا و روایت صحنه‌های این ماجرا و گریز و حوادث قبل و بعد عاشورا بپردازند، کتاب مقتل‌الحسین گوهری است که به‌سبک‌نگارشی سایر مقاتل، توسط مورخ علامه سیدمر تضی عسکری به رشته تحریر در آمده است. البته ایستمی متذکر شد که این کتاب برگرفته از کتاب معالم‌المدرستین است. کتابی که از زمره آثار مهم علامه عسکری به‌شمار می‌رود. کتاب مقتل امام حسین(ع) مطلقاً آنچه در مقدمه کتاب آمده از ویژگی‌های خاصی برخوردار است مانند: «کثرت استناد به کتب دست اول تاریخی» و «استفاده وسیع اما محققانه از منابع و کتب اهل سنت» و ویژگی دیگر کتاب آن است که مولف در ذکر ترتیب حوادث نیز تعمدی آگاهانه داشته و همچنین در لابه‌لای نقل حوادث نظرات پژوهشی و علمی خود را همراه با نکاتی مغز متحرک می‌شود. این کتاب نقل و بررسی حوادث منجر به «حادثه عاشورا» را، از لحظه مرگ معاویه و جانشینی فرزندش یزید آغاز می‌کند و سپس ماجرای عده‌بیعت امام با یزید، دعوت مردم کوفه، پیمان‌شکنی آنان، ماجرای حرین یزید ریاحی، حوادث صبح عاشورا، ظهر عاشورا و سرانجام حرکت پیامبر گونه امام‌سجاد(ع) و حضرت زینب(س) پس از حادثه‌ظهر عاشورا را با دقت علمی بسیار به‌منظرب این کتاب می‌دهد. این اثر گرآسنسنگ، توسط ابی‌الله محمدعلی جولان ترجمه شده و همراه با مقدمه‌ای از ایشان و به همت مؤسسه ایمان ماندگار منتشر شده و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.

اندیشه مسطور

اهداف سیاسی از طرح اندیشه

جبر گرایی

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های امویان در حوزه اندیشه و اعتقادات، ترویج اندیشه جبر گرایی بود. جبر گرایی در واقع می‌توانست سدی محکم در برابر مردمی باشد که به دلایل مختلف نسبت به حکومت امویان اعتراض و شکایات داشتند. اما حاکمان اموی با پوشاندن لباس اعتقاد به تن اندیشه جبر گرایی که با غایبات سیاسی همراه بود، سعی در کاهش اعتراضات مردمی داشته و البته به روند استضعاف مردم کمک می‌کردند. در همین راستا مرجع عالیقدر، آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در پاسخ به سؤال «چستی هدف معاویه از ترویج عقیده جبر در جامعه» می‌فرماید:معاویه برای پیشبرد اهداف خویش عقیده جبر را میان مسلمانان ترویج می‌کرد.نقل شده است که معاویه می‌گفت: «عمل و کوشش هیچ‌نفعی ندارد، چون همه کارها به‌دست خداوند است.» این سخن معاویه به از روی اعتقاد، بلکه برای تحمیل خلافت خود بر مردم بود، چنان‌که از او نقل شده است که می‌گفت: «هذه الخِلافة أمرٌ من الله و قضاءٌ من قضا الله» خلافت من یکی از فرمان‌های خداست و از قضا و قدر برودر دگر است. در واقع ترویج این عقیده برای جلوگیری از اعتراض و قیام مردم بود. بدین معنا که آنچه امروز اتفاق می‌افتد، خواست خداست و مقاومت در برابر قضا و قدر الهی بی‌فایده است. یعنی نه‌تنها مقاومت در برابر خواست خداوند اشتباه است بلکه فایده‌ای هم ندارد. معاویه با این تفکر، بندر سستی و بی‌اثر بودن تلاش‌های معترضانه را در جامعه منتشر می‌ساخت و آنها را وادار به پذیرش کارهای خلاف خویش می‌کرد. معاویه همچنین در برابر مخالفت عابیه‌ها بازهملماری یزید در سال ۶۵هجری در مدینه، به وی گفت: «انّ أمرٌ یزید قضاٌ من القضاء، و لیس لیعبان الخیرة من أمرهم» ماجرای زمامداری یزید قضای ختمی است که بندگان در این ارتباط از خوداختیاری (در مخالفت) ندارند. منابع: حباه‌الصحابه، ج ۳، ص ۱۵۲۹؛ به نقل از تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱۰، ص ۴۱۰؛ مختصر تاریخ دمشق، ج ۹، ص ۸۹؛ تاریخ قویونی، ج ۳، ص ۶۰؛ عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی، ص ۱۷۸.